

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بهرام رحمانی
۱۲ دسمبر ۲۰۲۲

خانم «آنی ارنو» جایزه ادبیات نوبل ۲۰۲۲!

«آنی ارنو» در سال ۲۰۱۹ به گاردین گفته بود: «وظیفه یک رمان نویس، گفتن حقیقت است.»

جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۲ روز شنبه دهم دسامبر در مراسم ویژه در استکهلم به برندگان اهدا شد. در تالار کنسرت استکهلم، پادشاه سوئد به یازده نفر از برگزیدگان، مدال‌های نوبل را در تقدیر از خدمات علمی آن‌ها اعطا کرد. اسامی برندگان جوایز از سوی آکادمی مربوطه ابتدای اکتبر اعلام شده بود. جایزه نوبل صلح در مراسمی جداگانه در همین روز در اسلو اهدا شد.

آنی ارنو، نویسنده فرانسوی و برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۲۲، توانایی‌اش در درآمیختن تخیل و واقعیت از اوضاع زنان طبقه کارگر فرانسه در دهه ۱۹۴۰ میلادی و «ظرافت» زنانه کتاب‌هایش بود که در نهایت این جایزه عالی را نصیب او کرد. آنی ارنو می‌گوید در دهه ۷۰ میلادی آن قدر بزرگ بوده که برای آزادی وسایل پیش‌گیری و حق سقط جنین در فرانسه فعالیت کرده باشد.

وی پس از جان باختن مهسا امینی و شکل‌گیری موج گسترده اعتراضات در ایران، از زنان آزادی‌خواه و برابری‌طلب ایرانی حمایت کرد و حجاب اجباری را محدودیت مطلق علیه زنان و دختران ایرانی توصیف کرد.



اعطای جایزه نوبل ادبیات به نویسنده فرانسوی آنی ارنو، توسط پادشاه سوئد کارل شانزدهم گوستاف

آنی ارنو (Annie Ernaux)، جایزه ادبیات نوبل را پس از نزدیک به چهارده دهه داستان‌نویسی از آن خود کرد. آکادمی سوئدی نوبل برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۲۲ را اعلام کرد و به این ترتیب «آنی ارنو» نویسنده ۸۲ ساله فرانسوی را برای «برای شجاعت و تیزهوشی واقع‌بینانه‌ای که به واسطه آن ریشه‌ها، بیگانگی‌ها و محدودیت‌های جمعی حافظه شخصی را کشف می‌کند» شایسته دریافت جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۲ معرفی کرده است.

به این ترتیب از سال ۲۰۱۴ تاکنون که جایزه نوبل ادبیات به «پاتریک مودیان» تعلق گرفت، «ارنو» نخستین نویسنده فرانسوی محسوب می‌شود که به عنوان برنده نوبل انتخاب شده است. «ارنو» همچنین به شانزدهمین نویسنده فرانسوی تبدیل شد که نوبل ادبیات را به خود اختصاص داده است.

«آندرس اولسون» رییس کمیته نوبل درباره این نویسنده بیان کرد: «ارنو در آثارش به طور منسجم و از منظرهای مختلف زندگی را مورد بررسی قرار می‌دهد که فارغ از جنیست، زبان و طبقه اجتماعی، نابرابری‌های جدی را دربرگرفته است.»

پروفسور کارل هنریک هلدین، رییس کمیته اعطای جایزه نوبل ادبیات، می‌گوید: «آنی ارنو آشکارا به نیروی رهایی‌بخش نوشتن اعتقاد دارد. آثار او سازش‌ناپذیر است و به زبانی ساده و پاکیزه نوشته شده است.» اما آنی ارنو که در آشپزخانه‌اش مشغول تهیه غذا بود از طریق رادیو کوچکش خبر برنده شدنش را شنید و برای مدت کوتاهی از خانه خود در حومه پاریس بیرون آمد و پشت به خبرنگاران با تلفن صحبت کرد؛ او قبل از این‌که به داخل برود، خنده‌های شاد و متمایز سر داد.

ارنو در گفت‌وگوی کوتاهی که پس از اعلام نامش با خبرنگاران داشت، گفت: «از وضعیت خودم به‌عنوان یک زن صحبت می‌کنم. به نظر نمی‌رسد که ما زنان در آزادی و قدرت برابر باشیم.»

وی همچنین گفت: «دریافت جایزه نوبل برای من مسئولیت افزون‌تری به همراه آورد تا مسیرم را ادامه دهم و نعتنها در برابر مشکلاتی که ذکر کردم، بلکه به مسیر پیش روی جهان و آرزوی صلحی بپردازم که همیشه به گشودگی آن فکر کرده‌ام و می‌کنم.»

ستون اصلی آثار آنی ارنو خاطراتش از سال‌های نوجوانی و جوانی است؛ اما او به‌موازات روایت دقیق رویدادهای زندگی شخصی، دگرگونی‌های جامعه فرانسوی را در سال‌های بعد از جنگ دوم نیز حکایت می‌کند. این شاید وجه مشترک او با برنده قبلی نوبل در عرصه ادبیات فرانسه باشد: پاتریک مودیانو نیز در تمامی آثارش خاطرات شخصی خود از پاریس دوران جنگ را بر زمینه تحولات مهم تاریخی حکایت کرده است.

وی که در سال ۲۰۱۹ به گاردین گفته «وظیفه یک رمان‌نویس، گفتن حقیقت است.» نخستین رمان خود را در سال ۱۹۷۴ با عنوان «پاک‌شده» (Cleaned Out) منتشر کرد. داستان این کتاب برگرفته از زندگی واقعی نویسنده است که ۱۰ سال قبل‌تر، در نوجوانی متعلق به طبقه کارگر نورماندی بود و یک سقط جنین غیرقانونی را تجربه کرده بود.

«پاک‌شده»، داستانی مربوط به به زنان طبقه کارگر فرانسه است، همان زنانی که تا قبل از تغییر قوانین در سال ۱۹۷۵، ناچار به توسل به روش‌های غیرقانونی، پنهانی و اغلب خطرناک، برای سقط جنین بوده.

وی روز پنجشنبه کمی پس از اعلام نامش از سوی آکادمی نوبل، در یک نشست خبری در پاریس گفت: «کاملاً طرفدار اعتراض زنان علیه این محدودیت مطلق هستم.»

آنی ارنو که نویسنده‌ای شناخته شده برای نسل جوان ایران است، در نخستین مصاحبه خود پس از اعلام دریافت جایزه نوبل ادبیات گفت: «من کاملاً پشتیبان اعتراضات زنان ایران علیه این محدودیت مطلق هستم.»

خانم ارنو در این گفت‌وگوی کوتاه گفت که به‌منظر او زنان هنوز در بهره‌مندی از آزادی و قدرت با مردان برابر نشده‌اند و «هنوز سلطه مردانه وجود دارد.»

آنی ارنو، در سخنرانی خود در آکادمی نوبل، ضمن حمایت از اعتراضات زنان در ایران، حکومت اسلامی را «خشن‌ترین و قدیمی‌ترین شکل قدرت مردانه» خواند.

خانم ارنو در بخشی از این سخنرانی با تاکید بر این‌که زنان در اعتراضات خود «کلمات برای بر هم زدن قدرت مردانه را یافته‌اند»، گفت که آن‌ها «مانند (زنان) ایران، علیه خشن‌ترین و قدیمی‌ترین شکل آن (قدرت مردانه) به‌پا خاسته‌اند».

این نویسنده ۸۲ ساله، پیش‌تر هم کمی پس از اعلام نامش به عنوان برنده نوبل ادبیات، در پاسخ به سئوالی درباره اعتراضات ایران، حجاب اجباری را «محدودیت مطلق» دانست.

او در یک نشست خبری در پاریس گفته بود: «کاملاً طرفدار اعتراض زنان علیه این محدودیت مطلق هستم.» برنده جایزه نوبل ادبیات همچنین در خطاب‌هایش ابراز امیدواری کرد که اهدای جایزه نوبل به او «نشانه‌ای از عدالت و امید برای همه زنان نویسنده باشد که مشروعیت تولید آثار ادبی از سوی آنان هنوز به رسمیت شناخته نشده است.» شماری از رمان‌های «آنی ارنو» از جمله «آن دختر دیگر»، «جایگاه»، «شرم»، و «یک زن» در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند و به گفته کارشناسان در شمار پرفروش‌ترین آثار ادبی اخیر ایران هستند. آنی ارنو، همچنین در آستانه برگزاری مراسم اهدای این جایزه به او در استکهلم، اعلام کرد که آکادمی نوبل موسسه‌ای «برای مردان» و پایبند به سنت‌های مردانه است.

خانم ارنو به خبرگزاری فرانسه گفت که این امر ناشی از «یک سنت» است. او تاکید کرد: «به‌منظر من وابستگی به سنت‌ها شاید مردانه‌تر است، اساساً ما قدرت را این‌گونه منتقل می‌کنیم.»

خانم ارنو همچنین از تشریفات مراسم اهدای جایزه نوبل انتقاد کرده و گفت که «واقعا هیچ تمایلی به تمایز» ندارد. آنی ارنو از چهره‌های متعهد چپ‌گرا در ادبیات فرانسه محسوب می‌شود. وی کمی پس از اعلام نامش به‌عنوان برنده جایزه نوبل، در تظاهرات اعتراضی در فرانسه علیه گران شدن هزینه‌های زندگی شرکت کرد. این نویسنده قصد دارد جایزه خود را «به‌همه کسانی که رنج می‌برند و به همه کسانی که مبارزه می‌کنند اما به رسمیت شناخته نمی‌شوند» تقدیم کند.

نام «آنی ارنو» نامش ۳۳ سال پیش «منزل به منزل» به زبان‌ها افتاد و پس از آن با «یک زن» به ایران آمد. «منزل به منزل»، نخستین کتابی است که از او در سال ۱۳۶۸ توسط نشر کتابسرا و با ترجمه صفیه روحی در ایران منتشر شد. «کوچه پس‌کوچه‌های کودکی» هم دیگر اثر این زن نویسنده است که توسط لیلی کسایبی در سال ۱۳۹۳ توسط نشر نشانه در ایران منتشر شده است.

در ایران، علاوه بر ترجمه آثار ارنو، پژوهش‌هایی نیز درباره سبک نویسندگی و آثار او انجام شده است. برای مثال ماندانا صدرزاده و لادن معتمدی در یک مقاله علمی - پژوهشی در سال ۱۳۸۶ به «رمان خانوادگی و بازسازی هویت نزد آنی ارنو» پرداخته‌اند.

آن‌ها در این پژوهش به مطالعه تخیل بر اساس الگوی رمان خانوادگی در داستان‌های خودزندگینامه‌ای آنی ارنو پرداختند و سعی کردند رویاهای دوران کودکی و نوجوانی نویسنده را مورد بررسی قرار دهند و در مرحله بعد نشان دهند چگونه تغییر طبقه اجتماعی نزد ارنو منجر به ایجاد کشمکش‌های روانی شده است که با ظهور تخیلاتی بر مبنای الگوی رمان خانوادگی در دوران کودکی و نوجوانی نویسنده مشخص می‌شوند. نگارندگان بر این باورند که این تخیلات یک مکانیسم تدافعی در مواجهه با فرودستی اجتماعی و بهترین وسیله برای بازسازی هویت نویسنده است.



«ارنو» در سال ۱۹۴۰ متولد شد و در شهر کوچکی واقع در «نرماندی» بزرگ شد. او در «دانشگاه روان» تحصیل کرد و سپس در مدرسه مشغول تدریس شد. «ارنو» در فاصله ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۰ به عنوان استاد مشغول کار شد. ارنو نویسنده و استاد دانشگاه قرن بیستم میلادی اهل نورماندی فرانسه است. آثار ادبی او که اغلب خودزندگی‌نامه هستند رابطه تنگاتنگی با جامعه‌شناسی دارند. از این نویسنده آثار بسیاری در ایران ترجمه و به چاپ رسیده است. از جمله آثار مشهور او که به فارسی منتشر شده می‌توان به رمان سال‌ها، اتفاق می‌افتد، شرم، جایگاه و یک زن اشاره کرد. وی در خانواده‌ای از طبقه کارگر بزرگ شده و در رشته ادبیات مدرن فارغ‌التحصیل شده است. او در رمان دیگرش با نام «اتفاق می‌افتد» به مشکلات دختری از یک خانواده متوسط کارگری در مواجهه با موضوع سقط جنین در فرانسه دهه ۶۰ می‌پردازد. فیلمی بر اساس همین رمان در سال ۲۰۲۱ در سینمای فرانسه نیز تولید و تهیه شده است. انتشار رمانی از زندگی مادر و بررسی سه نسل از زنان یک خانواده توجه عمیق او به مسائل زنان را نیز روشن کرد. موضوعات مورد بحث او در رمان‌های موفق بعدی‌اش سیاست‌های اجتماعی فرانسه در دهه ۶۰ میلادی، زیست طبقه کارگر آن دوره و مردسالاری حاکم بر جامعه بود. موضوعاتی که ارنو را به نویسنده‌ای در راستای جامعه‌شناسی مدنی تبدیل کرده بود. اثر دیگر ارنو مجموعه نامه‌های وی به خواهری است که در ۶ سالگی درگذشته است؛ اثری که مخاطب را با فرانسه کارگری دهه‌های مختلف و احساسات یک خواهر به مامن نداشتن‌اش را آشکار می‌کند. اثری که به خوبی نشان داد وی در دهه‌های پیری سن خود همچنان می‌تواند مخاطبان را غافلگیر کند. این نویسنده در بیش از ۲۰ کتابی که به چاپ رسانده، اغلب به روایت وقایع زندگی خود یا مردم اطرافش پرداخته است. وی نخستین رمان خود را در سال ۱۹۷۴ در فرانسه و در سال ۱۹۹۰ به زبان انگلیسی منتشر کرد. چهارمین کتاب او که با نام «جایگاه» منتشر شد، یک موفقیت ادبی برای او محسوب می‌شد. «داستان یک زن» که نخستین‌بار در سال ۱۹۸۸ به فرانسوی منتشر شد و «جایگاه»، به آثار کلاسیک معاصر در فرانسه تبدیل شدند. «ارنو» در سال ۲۰۰۸ موفق شد جایزه ادبی «رنودو» را برای کتاب «سال‌ها» کسب کند. این کتاب

زمانی که به زبان انگلیسی ترجمه شد، در سال ۲۰۱۹ در فهرست نامزدهای نهایی جایزه ادبی بوکر بین‌المللی نیز قرار گرفت.

از جمله کتاب‌های این نویسنده و استاد دانشگاه به «شرم»، «یک زن»، «جایگاه»، «آن دختر دیگر» می‌توان اشاره کرد. کتاب «جایگاه» در سال ۱۹۸۴ جایزه ادبی «رنودو» را برای این نویسنده به ارمغان آورد.

آنی ارنو، نویسنده فرانسوی و استاد ادبیات است. به این ترتیب ارنو شانزدهمین نویسنده فرانسوی و اولین زن فرانسوی است که جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرده است.

رئیس جمهور فرانسه، امانوئل مکرون در پیام تبریک به ارنو گفت که «او صدای آزادی زنان و فراموش‌شدگان است.» ارنو یک سپتامبر ۱۹۴۰ در لیلیونِ نرماندی به دنیا آمد. او در دانشگاه‌های روئن و بوردو تحصیل کرد، سپس تدریس در دبیرستان و کالج را ادامه داد. ارنو در سال ۱۹۷۴ با انتشار یک رمان زندگی‌نامه‌ای فعالیت ادبی‌اش را آغاز کرد. او در سال ۱۹۸۴ با رمان La Place که رمانی زندگی‌نامه‌ای با محوریت زندگی و تجربیاتش در ارتباط با پدرش است، جایزه رنودو (جایزه ادبی فرانسوی) را به دست آورد.

برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۲، داستان‌هایش را برپایه زندگی‌نامه خود، ارتباطش با دیگران و مسائلی که با آن مواجه شده، و با کنار هم قرار دادن تجربیات تاریخی و فردی‌اش روایت می‌کند. او در کتاب‌هایش از پیشرفت اجتماعی والدینش، سال‌های نوجوانی، ازدواج، تجربه سقط جنین، بیماری آلزایمر، مرگ مادرش و سرطان سینه با روایتی داستانی می‌گوید. آثار ادبی او عمدتاً به صورت زندگی‌نامه، پیوندهای نزدیکی با جامعه‌شناسی دارد.

آنی ارنو بارها از سیاست BDS علیه اسرائیل حمایت کرد. در سال ۲۰۲۲، وی نامه‌ای را امضاء کرد که اسرائیل را یک دولت آپارتاید خواند و تأکید کرد که «تصویر این جنگ به عنوان جنگ بین دو طرف مساوی نادرست و گمراه‌کننده است. اسرائیل قدرت استعمارگر است. فلسطین استعمار شده است.»

وی سال‌هاست که ساکن حومه پاریس است.



رمان «شرم»

رمان «شرم» داستانی پرکشش دارد. در یکشنبه ماه ژوئن سال ۱۹۵۲، پدر ارنو پس از مشاجره و دعوا با مادرش به تحریکات مادر واکنش نشان می‌دهد و تلاش می‌کند مادرش را بکشد. ارنو شاهد این تلاش بود. او که تا آن زمان موقعیت و جایگاه اجتماعی خانواده را به‌واسطه شغل پدر و مادر و محله‌ای که در آن زندگی می‌کردند، در طبقه مناسب و قابل احترام می‌دید، پس از این ماجرا نگاهی شرمگین به اطرافیانش دارد و موقعیت اجتماعی خانواده را در معرض خطر درک می‌کند. ارنو در به تصویر کشیدن احساسات دقیق در یک رویداد و دوره فوق‌العاده عمل کرده است.

نشریه لس آنجلس تایمز درباره این کتاب می‌نویسند: «ارنو بدون آغاز و پایان می‌نویسد. داستان‌های او قوس ندارند؛ اما آن‌ها تمایل دارند در آن قطار شهری کنار شما بنشینند و هر چه قدر مودبانه از آن‌ها بپرسید، آن‌جا را ترک نمی‌کنند. «بعدها به چند تن از مردان زندگی‌ام گفتم: «وقتی داشتیم دوازده‌ساله می‌شدم، پدرم می‌خواست مادرم را بکشد.» میل به گفتن این جمله معنایش این بود که من خیلی عاشق آن افراد بوده‌ام. همه‌شان با شنیدن آن سکوت می‌کردند. می‌فهمیدم که اشتباه کرده‌ام، چون نمی‌توانستند آن اتفاق را درک کنند. اولین بار است که این صحنه را می‌نویسم. تا امروز انجامش برایم ناممکن بود. حتی اگر می‌خواستم در دفتر خاطراتم بنویسمش، برایم مثل گناهی بود که قرار است مجازاتی به دنبال داشته باشد. شاید آن مجازات این بود که دیگر قدرت نوشتن چیزهای بعد از آن اتفاق را نداشته باشم.» (بخشی از کتاب شرم)

رمان «یک زن»:

«یک زن» نیز شش سال بعد در سال ۱۳۷۴، با ترجمه فریده طاهرپور و توسط شرکت چاپخش سهامی خاص در ایران منتشر شد.

ارنو در کتاب «یک زن» با نثری عمیق و روان مخاطب را به دنیای خود و مادرش می‌کشاند، به طوری که فضا و موقعیتی که در آن قرار دارند را درک کرده و احساس می‌کند. داستان «یک زن» از نحوه جدا شدن والدین و فرزندان در پایان راه زندگی و چگونگی مواجهه با تجربیات مختلف در این مسیر می‌گوید. تحصیلات و حرفه ارنو بین او و مادرش فاصله ایجاد کرده بود و هنگامی که آلزایمر ارنوکس در مادرش تشخیص داده شد، او هرکاری می‌کند تا آخرین روزهای زندگی مادرش را راحت و باوقار سازد و با نگاه به گذشته در رابطه‌ی اغلب پرتنش‌شان، به دنبال زنی می‌گردد که مادرش پیش از بیماری و از دست دادن سلامتی‌اش بود.

این کتاب اثری دوست‌داشتنی‌ست که با وجود جریان رنج و بیماری در طول داستان اما اثری ناامید کننده نیست. به‌طوری‌که در روایت غم و اندوه شدید و ادای احترام گرم به مادرش، تلخ و شیرین است. یک زن داستانی عاشقانه و قدرتمند میان مادر و دختر است. ارنو ماجرا را همان‌طور که هست به تصویر می‌کشد و به هیچ عنوان سعی در تلطیف فضا و ماجرا ندارد.

واشنگتن تایمز درباره کتاب «یک زن» می‌نویسند: «ادای احترام لطیف، سخت و تکان دهنده به زندگی و مرگ مادرش ... در این کتاب کوتاه دوست‌داشتنی، خانم ارنو تلاش می‌کند تا ریشه‌ها و شکوفه‌های پیچیده یک رابطه مادر/ دختری را توضیح دهد یا شاید صرفاً درک کند. زندگی مادری را که به تازگی از دست داده است.

«این کتاب زندگی‌نامه و یا شرح حال نیست، طبیعتاً رمان هم نیست، شاید چیزی ما بین ادبیات، تاریخ و جامعه‌شناسی باشد. از آن‌جا که مادرم در محیطی متولد شده بود که همواره زیر سلطه دیگران بود و دلش می‌خواست که از آن محیط بیرون بیاید، می‌بایست به تاریخ تبدیل شود، برای من این‌که من کمتر احساس تنهایی و بطالت بکنم، آن هم در دنیای تسلط بر واژه‌ها و اندیشه‌ها که، مطابق با میل او، من از آن عبور کردم. دیگر صدایش را نمی‌شنوم. خود اوست، صحبت‌هایش، دست‌هایش، حرکاتش، طرز خندیدن و راه رفتنش، که خانمی را که من باشم به کودکی که قبلاً بودم مرتبط می‌کرد، آخرین ارتباطم را با دنیایی که از آن به وجود آمده‌ام از دست دادم.» (از کتاب «یک زن»)

رمان «سال‌ها»:

رمان سال‌ها یکی دیگر از آثار بسیار موفق او بود که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد و ارنو در این اثر تصاویری از شش دهه زندگی خود را منتشر و در هر عکس اشاره‌ای به سیاست‌های دولت مرکزی و تأثیرات آن در شکل‌گیری‌اش داشت. اثری که جوایز بزرگی چون فرانسوا موریاک و مارگریت دوراس را دریافت کرد.

کتاب «سال‌ها» از اواسط دهه ۱۹۴۰، با اولین خاطرات ارنو و با توصیف عکس‌های خانودگی او آغاز می‌شود. همان‌طور که داستان پیش می‌رود، روایت‌های بسیاری از زمان‌ها و مکان‌های مختلف مطرح می‌شود؛ از این‌که شام‌های خانودگی چگونه به‌نظر می‌رسید، مدرسه چگونه بود، چگونه همه‌چیز در طول زمان تغییر کرده یا مرگ افراد مسن فامیل چه‌طور بوده است؛ بنابراین گفت‌وگوهای شام یکشنبه از جنگ به موضوعات دیگری کشیده می‌شود. سال‌ها اثری خواندنی و فراتر از خاطرات، زندگی‌نامه یا تاریخ اجتماعی است.

رمان «جایگاه»:

در سال ۱۳۹۲، اثر دیگری از این نویسنده به نام «جایگاه» با ترجمه دینا کاویانی و توسط انتشارات همشهری از وی در ایران به چاپ رسید.

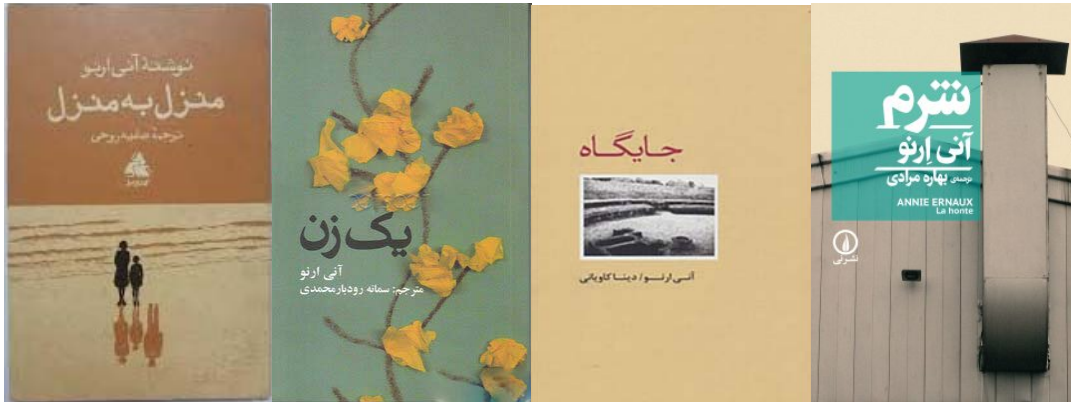
«جایگاه» بیش از سایر آثار این نویسنده مورد توجه منتقدان قرار گرفته و در سال ۱۹۸۴ نیز جایزه ادبی «رنودو» را از آن خود کرده است. وی در «جایگاه» که زندگی‌نامه خودنوشت ارنو محسوب می‌شود، بر رابطه خود با پدرش تمرکز دارد و از تجربیات زندگی در دوران کودکی در یکی از شهرهای کوچک فرانسه و سپس مهاجرت و زندگی دور از والدینش می‌نویسد.

«پدرم، ناسزا که می‌شنید رفتار آرامش را کنار می‌گذاشت: «گوشت سگ! بهتر بود همان جایی که بودی ولت می‌کردم...» گفت‌وگوهای هفتگی: هیچ! ملنگ! بیچاره، پیرزن پاچه ورمالیده! و ... هیچ اهمیتی هم نداشت.» (بخشی از کتاب «جایگاه»)

رمان «حادثه»:

در میان آثار آنی ارنو، رمان «حادثه» با اقبال فیلمسازان هم مواجه شد و «حادثه» یک فیلم درام فرانسوی محصول سال ۲۰۲۱ به کارگردانی آدری دیوان و بر اساس فیلم‌نامه‌ای از دیوان و مارسیا رومانو است که بر اساس رمانی به همین نام اثر آنی ارنو در سال ۲۰۰۰، ساخته شد. بازیگران این فیلم آناماریا وارتولومی و لوانا باجرامی‌اند. این اثر جایزه شیر طلایی ونیز را برای فیلمساز به ارمغان آورد. داستان «حادثه» درباره دختری ۲۳ ساله است که در سال‌های ۱۹۶۰ زندگی می‌کند و به شکلی اتفاقی باردار می‌شود و می‌خواهد سقط‌جنین کند. داستان این سقط‌جنین محور اصلی داستان را شکل می‌دهد. زمان رخداد کتاب سال ۱۹۶۳ است که آنی ارنو جوانی ۲۳ ساله بود و در کالج درس می‌خواند و به‌نظر می‌رسد کارگردان هم با همین ذهنیت، فضاسازی کار را انتخاب کرده است.

ارنو در سال ۲۰۱۱، تجربه‌ای دیگری را به تصویر می‌کشد و در کتاب دختر دیگر، نامه‌هایی که وی در تمام دوران‌ها به خواهر خود که در ۶ سالگی درگذشته است، منتشر می‌کند. این نامه‌ها فارغ از تم بیوگرافی، نوعی شناخت را به مخاطب، از فرانسه کارگری دهه‌های مختلف و جنس سیال احساسی که یک خواهر در نبود یک پشتیبان دارد، ارائه می‌دهد. یکی از احساسی‌ترین نوشته‌های ارنو که نشان داد وی در ۷۶ سالگی نیز همچنان غافلگیری‌های فراوانی برای مخاطبان خود دارد. کتابی درباره خواهر آنی که در ۶ سالگی بر اثر دیفتری درگذشته است و آنی با وجودی که هرگز وی را ندیده است، او را مامنی برای بیان احساسات و شرایط خود می‌بیند.



«کلر پتکو» به نمایندگی از آکادمی نوبل در مصاحبه‌ای تلفنی با «آنی ارنو» نویسنده فرانسوی و برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۲۲ گفت‌وگو کرده است.

به گزارش وبسایت رسمی جایزه نوبل، «آنی ارنو» برنده نوبل ادبیات در گفت‌وگوی تلفنی که با «کلر پتکو» (Claire Paetkau) نماینده آکادمی نوبل انجام داد از اهمیت صداقت و توصیه‌هایش به نسل جوان سخن گفت. از این‌که هنگام دریافت جایزه در کجا بوده هم گفته است.

این گفت‌وگو در روز اعلام برنده نوبل انجام شده است، این نویسنده درباره نحوه مطلع شدن از انتخاب او به‌عنوان برنده نوبل ۲۰۲۲ از طریق رادیو توضیح داد.

این گفت‌وگو:

آنی ارنو: سلام

کلر پتکو: روز یا عصر بخیر. «آنی ارنو» پشت خط هستند؟

آنی ارنو: بله خودم هستم. بله عصر بخیر.

کلر پتکو: عصر بخیر. من «کلر پتکو» هستم. ما طبق سنت هر ساله با برندگان جدید تماس تلفنی کوتاهی برقرار می‌کنیم. شما شرایط گفت‌وگو کوتاهی را دارید؟

آنی ارنو: همین الان؟

کلر پتکو: بله، همین الان.

آنی ارنو: بله، البته. البته.

کلر پتکو: در وهله اول به شما برای کسب جایزه نوبل تبریک می‌گویم. می‌دانم که به تازگی یک کنفرانس خبری را تمام کردید.

آنی ارنو: بله.

کلر پتکو: ممکن است بپرسم چه حسی دارید؟ فکر می‌کنم روز طولانی را سپری کرده‌اید.

آنی ارنو: بله نیمی از روز اینطور بود، چرا که ساعت یک متوجه شدم این جایزه را برده‌ام. کنفرانس خبری خیلی خوب پیش رفت، چراکه فکر می‌کنم من به اینکه دریافت این جایزه برایم چه معنایی دارد پاسخ دادم؛ (کسب این جایزه) مسئولیتی بزرگ و در عین حال افتخار بزرگی است. اما در حقیقت به‌دلیل همین افتخاری که به من تعلق گرفته است، من مسوولیت بیشتری در قبال نوشتارم دارم.

کلر پتکو: پس وقتی ساعت یک از برنده شدن مطلع شدید کجا بودید؟

آنی ارنو: من در آشپزخانه‌ام بودم و در آنجا رادیو دارم. می‌خواستم با رادیو گوش کنم تا بفهمم چه کسی برنده جایزه نوبل می‌شود.

کلر پتکو: و شما برنده بودید!

آنی ارنو: بله من بودم!

کلر پتکو: چه روش جالبی برای مطلع شدن از این خبر!

آنی ارنو: بله، واضح است که بسیار غافلگیرکننده بود. بیشتر بخاطر اینکه تنها بودم. برایتان مثالی می‌زنم. انگار در صحرا بودم و از آسمان ندایی شنیدم. چنین حسی را تجربه کردم.

کلر پتکو: چه داستان جالبی! شما آثار ادبی بسیار زیادی دارید. کسی که تازه با شما آشنا شده است باید از کجا مطالعه آثارتان را آغاز کند؟

آنی ارنو: راستش را بخواهید، فکر می‌کنم کتاب‌هایم شبیه به هم نیستند. چه از نظر موضوع و محتوا و چه از نظر نوشتار. بنابراین این کار کمی دشوار است و پیشنهادم برای نسل جوان و بزرگسال کمی متفاوت خواهد بود. اما کتابی که برای همه مناسب است، کتاب «سال‌ها» است. بله

کلر پتکو: درست است. شما به نسل جوان اشاره کردید. برای نویسندگان جوان، به‌خصوص برای آن‌هایی که به زبان اصلی خودشان می‌نویسند چه پیامی دارید؟

آنی ارنو: فکر می‌کنم وقتی می‌نویسیم، چیزی که بسیار اهمیت دارد این است که باید بسیار مطالعه کنیم. گاهی اوقات افراد جوان می‌گویند، «وای نه، من مطالعه نمی‌کنم... من می‌نویسم!». نه. این ممکن نیست. باید بسیار مطالعه کنید. و پیام دوم به آن‌ها این است که برای خوب نوشتن تلاش نکنند بلکه تلاش کنند صادقانه بنویسند. این دو با یکدیگر تفاوت دارند.

کلر پتکو: نصیحت بسیار خوبی بود.

آنی ارنو: بله.

کلر پتکو: بسیار ممنونم که برای صحبت با من وقت گذاشتید، امیدوارم شما را در ماه دسامبر در استکهلم ملاقات کنم.

آنی ارنو: بله!

کلر پتکو: بار دیگر از شما متشکرم و به شمار تبریک می‌گویم.

کلر پتکو: خدانگهدار.

آنی ارنو: خدانگهدار.

دکتر الیز هاگنی لژه، استاد ادبیات فرانسه دانشگاه سنت اندروز درباره جذابیت آثار آنی ارنو، گفته است: «ارنو مجموعه‌ای از آثار اصیل در قالب خودزندگی‌نامه پدید آورده که در آن‌ها خصوصی‌ترین تجربه‌ها ریشه در بافت تاریخی‌شان دارند. برای مثال «اتفاق» را در نظر بگیرید. ارنو در این کتاب تجربه سقطجنین خود در سال ۱۹۶۴ را با جزئیات بازگو می‌کند، اما تنها به بازسازی این تجربه جسمی اکتفا نمی‌کند. بلکه او همچنین به مجموعه‌ای از باورهای حاکم بر کنش‌ها و واکنش‌های مردم در آن برهه می‌پردازد. اگر ارنوی جوان از خانواده‌ای ثروتمند بود، احتمالاً می‌توانست در یک کلینیک خصوصی در خارج از فرانسه این کار را انجام دهد. او در این کتاب ریاکاری جامعه‌ای را تقبیح می‌کند که در آن صاحبان قدرت، از جمله پزشکان، با محکوم کردن سقطجنین، آسیب‌پذیرترین افراد را به‌سوی گزینه‌هایی سوق می‌دهند که جانشان را به خطر می‌اندازد. من فکر می‌کنم که نگاه جامعه‌شناختی دقیق و تزلزل‌ناپذیر او به مسائل چیزی است که آثار او را برای بسیاری جذاب کرده و در عین حال همین ویژگی انتقاداتی را به کارش وارد

کرده است؛ اما من مطمئن نیستم که بتوان نوشته‌های او را نوستالژیک دانست. به دلیل نگاه قوم‌شناسانه و سبک بی‌آرایه او، به‌نظر می‌آید که نوشتار او در برابر نوستالژی مقاومت می‌کند. با این حال، گاهی در کتاب‌های او (برای مثال در «سال‌ها») می‌بینیم که ارنو درباره اشتیاق جمعی نسبت به گذشته و این احساس که «قبلاً همه چیز بهتر بود» می‌نویسد.»

آنی ارنو متولد ۱۹۴۰ در نرماندی فرانسه است. والدینش صاحب یک کافه و مغازه خواربارفروشی بودند و آن‌طور که خودش گفته هنگامی که با دخترانی از طبقه متوسط روبه‌رو شد، «برای اولین بار از والدین و محیط کارگری زندگی خود شرم‌منده شد.» این احساس بعداً به رمان‌های آنی ارنو راه یافت.

آنی ارنو به تحصیل در رشته ادبیات ادامه داد و مدتی به‌عنوان پرستار بچه در خانه‌ای در لندن کار کرد، ازدواج کرد و دارای دو فرزند شد. او بعد از سال‌ها تدریس در دبیرستان‌های فرانسوی، سرانجام نخستین کتابش را در سال ۱۹۷۴، با عنوان «پاک‌شده» منتشر کرد. از اوایل دهه ۱۹۸۰ شهرتی نسبی کسب کرد و بالاخره در بیست سال اخیر، در محیط ادبی فرانسه به‌عنوان یکی از نویسندگان «نام‌آور» جایگاه رفیعی به دست آورد.

از همان نخستین اثر، آنی ارنو بر تضاد میان فقیر و غنی، بی‌سواد و باسواد تأکید دارد. در «پاک‌شده» خواننده در یک‌سو شاهد بی‌فرهنگی و مشکلات معیشتی خانواده و یا مشتریانی است که در دوران کودکی نویسنده به کافه کوچک پدر و مادرش رفت‌وآمد داشتند و در مصرف الکل بی‌حدودانزه ناشی از فقر غرق می‌شدند. در سوی دیگر، دختران زیبا و درس‌خوانده خانواده‌های «بورژوا» همیشه در تقابل با آن محیط سرد و نومیدکننده خودنمایی می‌کنند. آنی ارنو بدون تعارف و با توصیف جزئیاتی بسیار کوچک از زندگی آن سال‌ها، عقده‌های خود را به‌عنوان یک دختر جوان و حساس اما محروم تشریح می‌کند.

آنی ارنو می‌گوید: «وقتی به زندگی‌ام فکر می‌کنم، داستانم را از کودکی تا امروز می‌بینم، اما نمی‌توانم آن را از دنیایی جدا کنم که در آن زیسته‌ام؛ داستان من با داستان‌های نسل من و رویدادهایی آمیخته‌شده که برای ما رخ داده است. در سنت زندگی‌نامه نویسی، ما از خودمان صحبت می‌کنیم و رویدادها در پس‌زمینه هستند. من این روال را برعکس کرده‌ام. این داستان رویدادها و جریان رویدادها و هر چیزی است که طی شصت سال زندگی یک فرد تغییر کرده اما از طریق «ما» و «آن‌ها» روایت می‌شود. رویدادهای کتاب من متعلق به همه است، متعلق به تاریخ و جامعه‌شناسی است.»

نکته‌ای که در آثار آنی ارنو به چشم می‌آید و برخی از روشنفکران فرانسوی نیز بر آن تأکید دارند توجه او به درد و رنج‌های طبقه فرودست و بازتاب آن در آثارش است که سبب شده در فعالیت‌ها و نوشته‌هایش، حمایت از طبقات کارگر و به‌خصوص جنبش جلیقه زردها به‌کرات نشان داده شود. دیدیه اریبون، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، در این باره می‌گوید: «من نه به‌صرف این‌که ارنو نویسنده است، بلکه بیشتر به‌دلیل اشتهارش به حمایت از جنبش‌های اجتماعی او را تحسین می‌کنم. ارنو مرتباً از کارگرانی که اعتصاب می‌کردند، حمایت و وضعیت اسفناک آن‌ها را در کتاب‌هایش برجسته می‌کرد و با این رویکرد خود، برای دیگران هم بستری فراهم می‌آورد تا از این مشکلات، خشونت‌ها و آسیب‌های طبقاتی بگویند.»

با پختگی تدریجی و بعد از خالی کردن «عقده‌های نوجوانی»، آنی ارنو مضمون دیگری را به آثار خود می‌افزاید: توجه دوباره به والدینی که در سال‌های قبل فقط خشم و تحقیر او را برمی‌انگیختند. او به‌ویژه در کتاب «یک زن» که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، به‌طور غیرمستقیم از «خیانت» به پدر و مادر ابراز پشیمانی می‌کند. گویا جدا شدن از محیط

خانوادگی و ورود به دنیای درس خوانده‌ها و روشنفکرهای مرفه برای آنی ارنو با عذاب وجدان و احساس وانهادن پدر و مادر همراه بوده است.

منتقد نیویورکتایمز در بررسی آثار آنی ارنو نوشته است: «او نویسنده‌ای است که به عریان سازی درون خود می‌پردازد و با تیزبینی و ظرافتی تحسین‌برانگیز، فهرستی دقیق از درونیات خود را با مخاطب در میان می‌گذارد، بی‌آن‌که دچار خودسانسوری شود. رمان «شرم» به‌نوعی زندگینامه او است که نویسنده در آن، خصوصی‌ترین، تحقیرآمیزترین و رسواترین لحظات زندگی خود را هم با دقت و ظرافتی روان‌شناسانه به رشته تحریر درآورده است. خود در آن زمان گفته بود که درباره زندگی‌اش یک مطالعه بوم‌شناختی انجام خواهد داد.»



ارنو جوایز متعددی را در پرونده کاری خود دارد که می‌توان به مواردی همچون نامزد نهایی جایزه کتاب لس‌آنجلس تایمز برای کتاب «داستان یک زن»، عنوان بهترین کتاب هفتگی ناشران برای رمان «Shame» (۱۹۹۸)، عنوان خاطرات برتر سال از سوی واشنگتن پست برای رمان «من در تاریکی» (۱۹۹۹)، عنوان نامزد نهایی بوکر بین‌المللی برای کتاب «سال‌ها»، برنده جایزه فرانسوا موریاک (۲۰۰۸)، برنده جایزه مارگریت دوراس (۲۰۰۸)، جایزه زبان فرانسه برای تمام آثار (۲۰۰۸)، دکتری افتخاری دانشگاه سرگی- پونتوا (۲۰۱۴)، جایزه Strega برای رمان «سال‌ها» (۲۰۱۶)، جایزه مارگریت یورسنار (۲۰۱۷)، جایزه ممتاز همیگویی برای تمام آثار (۲۰۱۸)، عنوان نویسنده بین‌المللی انجمن سلطنتی ادبیات (۲۰۲۱) و برنده جایزه وارویک (۲۰۱۹) اشاره کرد.

کتاب‌های «کابینت‌های خالی» (۱۹۷۴)، «پاک شده» (۱۹۹۰)، «چه می‌گویند یا هیچ» (۱۹۷۷)، «زن یخ زده» (۱۹۸۱)، «مکان» (۱۹۹۰)، «جای یک مرد» (۱۹۹۲)، «داستان یک زن» (۲۰۰۳)، «شور ساده» (۱۹۹۱)، «نمای بیرونی» (۱۹۹۶)، «شرم» (۱۹۹۷)، «من از شیم بیرون نرفتم» (۱۹۹۷)، «زندگی در فضای باز» (۲۰۰۰)، «چیزهای دیده شده» (۲۰۱۰)، «اتفاق می‌افتد» (۲۰۰۱)، «گم شدن» (۲۰۲۲)، «در اختیار داشتن» (۲۰۰۸)، «سال‌ها» (۲۰۱۷)، «کارگاه سیاه» (۲۰۱۱)، «زندگی را بنویس» (۲۰۱۱)، «به چراغ‌ها نگاه کن عشق من» (۲۰۱۴)، «مرد جوان» (۲۰۲۲) و «هتل کازانووا» (۲۰۲۰) بخشی از آثار ارنو به شمار می‌آیند.

علاوه بر اقتباس‌های متعدد تئاتری و رادیویی، آثار او مورد اقتباس سینمایی قرار گرفته است. اقتباس سینمایی از کتاب «اتفاق می‌افتد» او با کارگردانی آدری دیوان جایزه شیرطلایی جشنواره فیلم ونیز (۲۰۲۱) را کسب کرد.

برخی از آثار آنی ارنو به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. کتاب «دختر دیگر» با ترجمه دینا کاویانی در سال ۱۳۹۲ و از سوی انتشارات همشهری به بازار کتاب رسید. این کتاب تحت عنوان «آن دختر دیگر» در سال ۱۳۹۳ نیز با ترجمه لیلا غفوری غروی و توسط نشر کاکتوس منتشر شد.

رمان «شرم» با ترجمه بهاره مرادی و ویراستاری مهدی نوید در سال ۱۳۹۵ (نشر نی) به چاپ رسید. این کتاب نیز مجدداً در سال ۱۳۹۸ با ترجمه سمانه رودبار محمدی و ویراستاری هایدی مشایخ از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی راهی بازار کتاب شد.

کتاب «یک زن» ترجمه فریده طاهرپور در سال ۱۳۷۴ (چاپخش) منتشر شد و بعد از چند سال با ترجمه سمانه رودبار محمدی و از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۹۶ به بازار آمد.

کتاب‌های «جایگاه» ترجمه دینا کاویانی (انتشارات همشهری/۱۳۹۲)، «چراغ‌ها را ببین، عشق من» ترجمه شهرزاد قانونی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه/۱۴۰۰)، «کوچه پس کوچه‌های کودکی» ترجمه لیلی کسایی (نشانه/۱۳۹۳)، «منزل به منزل» ترجمه صفیه روحی (کتابسرا/۱۳۶۸)، «یادداشت‌های کوچه و خیابان» ترجمه شهرزاد قانونی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه/۱۴۰۰) و «سال‌ها» ترجمه فرزاد مرادی با ویراستاری مریم فرنام (بیدگل/۱۴۰۱) از دیگر آثار ارنو هستند که در اختیار مخاطبان زبان فارسی قرار دارد.



فیلم «سال‌های سوپر ۸» مستندی از زندگی آنی ارنو برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۲ در کشورهای مختلف دیده می‌شود.

فیلم «سال‌های سوپر ۸» درباره زندگی آنی ارنو برنده جایزه نوبل ادبیات و فرزندان وی در چندین کشور اکران می‌شود.

این مستند که پیش از انتخاب وی توسط آکادمی ادبی نوبل ساخته شده مجموعه‌ای از فیلم‌های ۸ میلی‌متری سوپر ۸ آنی ارنو و زندگی وی است. این فیلم به کشورهای اسکانندیناوی، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، آلمان و اتریش و سوییس فروخته شده و کشورهای دیگر و توزیع‌کنندگان دیگر هم در حال خرید این فیلم از «توتم فیلمز» هستند.

این مستند اوایل امسال در بخش دو هفته کارگردان‌های جشنواره کن به نمایش درآمد و از آن زمان تاکنون در جشنواره‌های دیگر از جمله بوسان، رم، نیویورک و زوریخ هم دیده شد.

این مستند چهره‌ای پر قدرت، جهانی و سیاسی از این نویسنده را تصویر کرده و تصاویری از مقاطع مختلف زندگی وی را با متنی که نوشته خودی وی است و وی صدایش را آن را انجام داده، در قالب یک فیلم درآورده است.

آنی ارنو درباره این فیلم گفته: در بازبینی فیلم‌های سوپر ۸ ما که بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ فیلم‌برداری شده‌اند، به این نتیجه رسیدیم که این‌ها نه فقط یک آرشیو خانوادگی، که سندی بر سرگرمی‌ها، سبک زندگی و آرزوهای یک طبقه اجتماعی در دهه پس از ۱۹۶۸ هستند. دلم می‌خواست این تصاویر خاموش را در داستانی بگنجانم که صمیمیت را با مسایل اجتماعی و تاریخی ترکیب کند تا طعم و رنگ آن سال‌ها را منتقل کند.

فیلم هشت میلی‌متری سوپر، از سال ۱۹۶۵ جایگزین فیلم‌های ۸ میلی‌متری معمولی شدند. در این فیلم‌ها، سوراخ‌های حاشیه‌ای کوچک‌تر شده و در نتیجه قاب بزرگ‌تری برای تصویر باقی می‌ماند و تا ۵۰ درصد، فضای تصویری بیشتری نسبت به فیلم ۸ میلی‌متری معمولی ایجاد می‌شود. «نیو استوری» قرار است این فیلم را از ۱۴ دسامبر در فرانسه اکران کند.

نوبل ادبیات Nobel Prize in Literature یکی از پنج جایزه‌ای است که بنیاد نوبل سالانه به وصیت آلفرد نوبل به برگزیدگانی در رشته‌های فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و پزشکی، ادبیات و صلح اهدا می‌کند. طبق شرایط مربوط به دریافت نوبل، برندگان هر سال با ارزش‌ترین و سودمندترین خدمات را در حوزه‌های کاری خود و در راستای بهبود زندگی بشر انجام داده‌اند.

نوبل ادبیات پنجمین و آخرین جایزه‌ای است که اعلام می‌شود و ۱۸ عضو آکادمی سوئد مسئولیت انتخاب فرد مورد نظر را بر عهده دارند، این جایزه بر اساس تطبیق آثار یا اثر نویسنده انتخاب شده با سیاست‌های کمیته نوبل ادبیات به او اهدا می‌گردد. طبق معیارهای کمیته نوبل، نوبل ادبیات به اثری تعلق می‌گیرد که دریافت کننده آن موفق به رسیدن به شاخص‌ترین آرمانی موردنظر پرداخته باشد.

در سال ۲۰۱۸ و در پی بحرانی اخلاقی در کمیته انتخاب دریافت کننده سوئد، آکادمی در بیانیه‌ای اعلام کرد که مراسم آن لغو شده و در ۲۰۱۹، دو نوبل به برندگان سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ اهدا خواهد شد. بحران مورد نظر، درگیری همسر یکی از اعضای دخیل در انتخاب برنده جایزه بود که باعث شد تا این عضو از سمت خود کناره‌گیری کند و به این واسطه در محرمانه بودن و محرمانه ماندن اسم برنده شک و شبهه ایجاد گردد. تا پیش از این، جایزه نوبل تنها هفت بار و به دلیل جنگ‌های جهانی برگزار نشده بود.

آلفرد نوبل در ۲۱ اکتبر ۱۸۳۳ در استکهلم به دنیا آمد. او یکی از فرزندان امانوئل نوبل، مهندس و مخترع سوئدی بود که در صنعت ساخت و ساز پل و ساختمان در سوئد مشغول به کار بود و بنا بر طبیعت کارش، آزمایش‌های متعددی برای منفجر کردن سنگ‌ها انجام داده بود.

در همان سال که آلفرد به دنیا آمد پدرش ورشکست شد و خانواده‌اش را به فنلاند و سپس به روسیه تزاری منتقل کرد. او در روسیه با همکاری با ارتش تجارت موفق به راه انداختن، فعالیت‌های فراوان او و موفقیت‌هایش به او اجازه داد تا تحصیلات ممتازی برای فرزندانش مهیا کند، بنابراین وقتی آلفرد به ۱۷ سالگی به ۵ زبان صحبت می‌کرد و دانش خوبی در علوم و فیزیک داشته باشد. امانوئل می‌خواست فرزندانش در کار به او ملحق شوند بنابراین وقتی از علاقه‌ی آلفرد به شعر و ادبیات انگلیسی خبردار شد، متعجب و عصبانی شد، از نظر او تجارت خانوادگی در الویت داشت و شعر جایی در این الویت‌ها نداشت.

آلفرد جوان به سفر فرستاده شد تا آفاق‌های جدیدی را بیازماید و در همان حال دانش خود از علم شیمی را گسترش بخشد، آلفرد در ایتالیا با آسکانیو سوپرو که موفق به اختراع نیتروگلیسرین شده بود آشنا شد.

قدرت انفجاری نیتروگلیسرین بارها بیش‌تر از باروت بود اما به دلیل ملاحظات امنیتی از آن استفاده نمی‌شد و همین نوبل جوان را به دنبال آزمایش‌هایی برای استفاده ایمن‌تر از این ماده‌ی منفجره‌ی خطرناک فرستاد.

آلفرد سرانجام به پدر و تجارت خانوادگی برگشت و همراه با او آزمایش‌هایش را روی نیتروگلیسرین ادامه داد. پس از آزمایش‌های فراوان و مخلوط کردن عناصر مختلف با هم آلفرد نوبل موفق به ساخت دینامیت شد که در ۱۸۶۷ آن را به نام خود ثبت کرد.

در این زمان آلفرد، برادرش امیل و پدرش در سوئد زندگی می‌کردند و دو برادر دیگر لودویگ و رابرت در روسیه با موفقیت در صنعت نفت مشغول به کار بودند.

استفاده از اختراع جدید آلفرد در دنیا رو به افزایش بود، در دنیایی که هر روز بیشتر به سوی جنگ‌های متعدد می‌رفت، در اختیار داشتن چنین ابزاری قدرتمندی امتیاز بزرگی به حساب می‌آمد و کارخانه‌ی او در کرومل، نزدیک به هامبورگ در آلمان نیتروگلیسرین را به کشورهای دیگر صادر می‌کرد.

بنا به یک روایت، تصمیم نوبل برای راه اندازی بنیاد نوبل و جوایز آن، به خبر اشتباهی در یک روزنامه‌ی فرانسوی برمی‌گردد که لودویگ نوبل را با آلفرد نوبل اشتباه گرفته بود و تیتیری زده بود با عنوان «تاجر مرگ قربانی مرگ شد.»

به‌نظر می‌رسد این اشتباه آلفرد را به فکر میراثی انداخت که قرار بود برای آیندگانش بر جای بگذارد. نوبل پیش از درگذشتش در ۱۸۹۶ وصیت‌نامه‌ی خود را تغییر داد و وصیت کرد که اموالش در راه اهدای این جوایز که در حوزه فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و پزشکی، ادبیات و صلح بودند خرج شود.

پس از مرگ آلفرد، بنیاد نوبل توسط دو مهندس جوان که توسط او برای اجرای وصیت‌نامه‌ش تعیین شده بودند، تاسیس شد و تنها چند سال پس از مرگ آلفرد نوبل اولین دوره‌ی جایزه نوبل در ۱۹۰۱ برگزار شد و اولین برنده در حوزه ادبیات، سولی پرودوم بود. اولین زن برنده نوبل ادبیات، نویسنده‌ی سوئدی، سلما لاگرفولف بود که در دسامبر ۱۹۰۹ این جایزه را دریافت کرد، سلما همچنین اولین زنی بود که در آکادمی سوئد به عضویت پذیرفته شد.



انتشارات فینزکارالدو هنوز ۱۰ ساله نشده است و تنها ۶ کارمند تمام‌وقت دارد اما از زمان تاسیس، سه نفر از نویسندگان آن برنده جایزه نوبل ادبیات شده‌اند.

هنگامی که «ژاک تستارد» در سال ۲۰۱۴، شرکت انتشاراتی خود را راه‌اندازی کرد، نامی را انتخاب کرد که نشان‌دهنده یک تلاش دیوانه‌وار باشد. او نام انتشارات نوپای خود را «فینزکارالدو» گذاشت که اشاره‌ای به فیلم «ورنر هرتزوگ» در سال ۱۹۸۲ دارد که در آن فردی قصد دارد یک قایق بخار ۳۲۰ تنی را بر فراز تپه‌ای در وسط جنگل‌های بارانی آمازون ببرد.

تنها پس از هشت سال، این تلاش به‌طرز شگفت‌انگیزی به بار نشست و «فینزکارالدو» به یکی از پرمخاطب‌ترین موسسات انتشاراتی بریتانیا تبدیل شده که به عنوان مهم‌ترین انتشارات انگلیسی زبان برای برندگان جایزه نوبل شهرت یافته است. «آنی ارنو» نویسنده فرانسوی که هفته گذشته برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۲ شد، پس از «اولگا توکارچوک» از لهستان در سال ۲۰۱۹ و «سوتلانا الکسیویچ» روزنامه‌نگار و نویسنده بلاروسی در سال ۲۰۱۵، سومین نویسنده برنده نوبل ادبیات است که این انتشارات ناشر رسمی آثارش به زبان انگلیسی است.

این ناشر بریتانیایی در سال ۲۰۱۰، ناشر آثار «یون فوسه» نویسنده و نمایشنامه‌نویس نروژی هم بود که مرتباً در میان شانس‌های دریافت نوبل ادبیات قرار دارد. «فیتزکالدردو» همچنین ناشر یکی از کتاب‌های نوشته «الفریده یلینک» است، اگرچه او در سال ۲۰۰۴، یک دهه قبل از تاسیس این انتشارات، جایزه نوبل دریافت کرده بود.

آثار این انتشارات در خارج از محدوده جایزه نوبل نیز حضور درخشانی دارند و از سال ۲۰۱۷، ده‌ها کتاب این انتشارات از جمله «فصل توفان» نوشته «فرناندا ملکور» و «به یاد خاطره» اثر «ماریا استپانوا» نامزد جایزه بین‌المللی بوکر، یکی از برجسته‌ترین جوایز در حوزه ادبیات ترجمه شده‌اند و در سال ۲۰۱۸، «پروازها» نوشته «اولگا توکارچوک» این عنوان را کسب کرد.

یک روز پس از معرفی «آنی ارنو» به‌عنوان برنده نوبل ۲۰۲۲، مدیر این انتشارات دستور چاپ مجدد ۶۵ هزار نسخه از کتاب‌هایش را داده است تا همگام با افزایش تقاضای ناشی از کسب نوبل باشد. این رقم برای انتشاراتی این‌چنین بسیار چشمگیر است، زیرا آن‌ها در تمام طول سال ۲۰۲۱ حدود ۱۳۵ هزار جلد کتاب در تمام عناوین فروخته بودند. «ژاک تستارد» مدیر این موسسه نشر که دفتر یک اتاقه آن در جنوب لندن قرار دارد، می‌گوید که اگر مردم انتشارات «فیتزکارالدو» را خانه نوبل خطاب کنند، به نظر او «بسیار احمقانه» است؛ زیرا این‌طور نیست که آنها یک استراتژی برای تلاش و پیروزی در جایزه نوبل داشته باشند و سلیقه او به صورت اتفاقی با اعضای آکادمی سوئد که هر ساله برنده جایزه نوبل ادبیات را تعیین می‌کنند، همسو می‌شود.

با این حال، فعالان ادبی بریتانیا می‌گویند که موفقیت این انتشارات تنها با شانس قابل توضیح نیست. «پل کیگان»، سردبیر سابق «پنگوئن کلاسیک» که اولین کار انتشاراتی خود را در سال ۲۰۱۲ در نشریه‌ای به نام «ناتینگ هیل» به «تستارد» داد، می‌گوید که بسیاری از افراد در صنعت انتشارات بریتانیا از موفقیت «فیتزکارالدو» گیج شده‌اند. اما «کیگان» تأکید می‌کند این واقعیت که «تستارد» داستان‌هایی را به زبان‌های فرانسوی و اسپانیایی و همچنین به زبان انگلیسی می‌خواند، او را قادر ساخته تا نویسندگانی را شناسایی کند که ممکن است از قلم سایر ویراستاران در دنیای انتشارات بریتانیا بیفتند.

«گبی وود» مدیر بنیاد جایزه بوکر در این باره می‌گوید: «تصور می‌کنم ناشران دیگر نسبت به فیتزکارالدو حسادت خاصی دارند. چیزی که ژاک دارد این است که حس می‌کند دنیا (ادبیات غیرانگلیسی زبان) می‌تواند کارهای مهمی برای شما به ارمغان بیاورد و این امر او را در صنعت انتشاراتی با نگرشی تا حدی رقت‌انگیز نسبت به داستان‌هایی غیر انگلیسی زبان، برجسته کرد. در سال ۲۰۱۸، تنها حدود ۶ درصد از داستان‌های منتشر شده در بریتانیا و ایرلند از زبان دیگری ترجمه شده بود.

«تستارد» که در فرانسه متولد شده اما در انگلستان و ایرلند تحصیل کرده، به‌عنوان دانشجوی دانشگاه آکسفورد، در مسیر تحصیل در مقطع دکتری رشته تاریخ بوده اما نظرش تغییر می‌کند و در ابتدا برای چند ماه در نشریه ساندی تایمز لندن مشغول به کار می‌شود ولی او جاه طلبی‌های بزرگتری در سر داشت و در فوریه ۲۰۱۴ در حالی انتشارات «فیتزکارالدو» را تاسیس کرد و از یکی از اعضای خانواده‌اش برای تا دو سال اجاره و انتشار حداقل ۱۰ کتاب، پول قرض کرد.

او می‌گوید از همان ابتدا چشم اندازش این بوده که نیمی از فهرست کتاب‌های منتشر شده ترجمه شده باشد و از آثار رادیکال و معاصر باشد که با گذر از مرزهای فرم، ژانرهای ماندگار و داستان‌نویسی را با هم درآمیزد و در نهایت اولین کتاب انتشارات فیتزکارالدو کتاب «منطقه» اثر «ماتیاس اینارد» بود، رمان ۵۲۱ صفحه‌ای به شیوه جریان سیال ذهن که کل آن در یک جمله گفته شده بود و علیرغم ظاهر چالش‌برانگیزش، به شدت درگیرکننده بود.

روش‌های «تستارد» برای کشف و به دست آوردن آثار چندان منحصر به فرد نبوده و طبق گفته خودش از ویراستاران مؤسسات انتشاراتی در سراسر اروپا و آمریکا و همچنین از مترجمان و نویسندگانی که به آن‌ها اعتماد دارد راهنمایی دریافت کرده است. با این حال، او از این نگرش در میان اکثر ناشران بریتانیایی و آمریکایی سود می‌برد که معتقدند داستان خارجی بسیار گران و انتشار آن دشوار است. او در سال ۲۰۱۴ و در جریان نمایشگاه کتاب فرانکفورت عنوان کرد زمانی که حق انتشار نسخه انگلیسی زبان کتاب «زمان دست دوم» نوشته «سوتلانا الکسیویچ» (تاریخ شفاهی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) را کسب کرده، از این که این کتاب را پیش از این هیچ ناشری قبول نکرده شگفت زده شده است؛ چرا که این کتاب پیش از آن صدها هزار نسخه در فرانسه فروخته بود. مدیر آثار «الکسیویچ» در ابتدا پیشنهاد «تستارد» را نمی‌پذیرد؛ چرا که انتشارات فیتزکارالدو در آن زمان تنها دو کتاب منتشر کرده بود اما با پیدا نشدن هیچ ناشر دیگری سرانجام رضایت می‌دهد.

همه رمان‌های این انتشارات دارای جلد ساده‌ای هستند که عنوان و نام نویسنده با متن سفید روی پس‌زمینه آبی نوشته شده است. عناوین غیرداستانی آن دارای جلد‌های سفید با متن آبی هستند. «تستارد» می‌گوید که این طراحی تحت تأثیر کتاب‌های ناشران اروپایی انتشارات گالیمر در فرانسه قرار گرفته است که ظاهری مینیمالیستی مشابه دارند و حس وحدت بین عناوین چاپ‌شده را ایجاد می‌کنند.

به این ترتیب، هفدهمین زن برنده نوبل ادبیات است و پنجمین زنی است که در سال‌های اخیر پس از «آلیس مونرو» در سال ۲۰۱۳، «سوتلانا الکسیویچ» در سال ۲۰۱۵ و «اولگا توکارچوک» در سال ۲۰۱۸ و «لوییز گلیک» در سال ۲۰۲۰ به‌عنوان برنده نوبل ادبیات معرفی شد.

از سال ۱۹۰۱ میلادی تاکنون ۱۱۵ جایزه نوبل ادبیات اهدا شده است. در این بین ۴ جایزه مشترکاً به دو نویسنده تعلق پیدا کرده است و زنان نیز ۱۷ بار این جایزه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنان، این «رودیارد کیپلینگ» نویسنده «کتاب جنگل» است که با دریافت این جایزه در ۴۱ سالگی به‌عنوان جوان‌ترین برنده نوبل ادبیات شناخته می‌شود. زمانی که این جایزه در سال ۲۰۰۷ به «دوریس لسینگ» نویسنده انگلیسی که در آن زمان ۸۸ ساله بود اهدا شد این نویسنده به سالمندترین برنده نوبل ادبیات تبدیل شد.

جایزه نوبل ادبیات به ارزش ۱۰ میلیون کرون سوئد (۸۴۰۰۰۰ پوند) به نویسنده‌ای تعلق می‌گیرد که طبق وصیت نامه آلفرد نوبل «کسی است که برجسته‌ترین اثر را در زمینه ادبیات خلق کرده است، یک اثر ایده‌آل»

این نویسنده و فعالیت‌هایش در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی، فوق‌العاده تحسین برانگیز و قابل تقدیر است!

یکشنبه بیستم آذر - قوس - ۱۴۰۱ - یازدهم دسمبر ۲۰۲۲